**نظر به هم اکنونی معاد با نگاه امام رضا**«علیه‌السلام»

**باسمه تعالی**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

«إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها (1) وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها (2) وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها (3) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها (4) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحى‏ لَها (5) يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ (6) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ (7) وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (8)

1- حضرت رضا«علیه‌السلام» می‌فرمایند: «مَنْ اَنْكَرَ خَلْقَ الْجَنَّةِ وَالنّار كَذَّبَ النَّبِيُّ«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» وَ كَذَّبْنا وَ لا مِنْ وِلايَتِنا علي شَيْئٍ وَ يَخْلُدُ في نارِ جَهَنَّم. قال‌الله تعالی: «هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتي يُكَذِّبُ بِهَاالْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَها وَ بَيْنَ حَميمٍ انٍ».

پس كسي كه منكر خلقت فعلي بهشت و جهنم شود، پيامبر و ما را تكذيب كرده است و از دوستان ما نيست و براي هميشه در آتش است. خداوند در آيه 44 سوره الرّحمن فرمود: اين است جهنمي كه گناهكاران انكار مي‌كردند و هم اكنون گناهكاران بين آن جهنم و آب‌جوشان در حال طواف‌اند.

و نيز در روايت داريم که رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» ‌فرمودند: در آن هنگامي كه مرا در آسمان معراج دادند من داخل بهشت شدم‌، ديدم در آن‌جا زمين‌هاي بسياري را كه سفيد و روشن افتاده و هيچ در آن‌ها نيست‌، وليكن فرشتگاني را ديدم كه بناء مي‌سازند، يك خشت از طلا و يك خشت از نقره‌، و چه بسا دست از ساختن برمي‌دارند.

من به آن فرشتگان گفتم‌: به چه علّت شما گاهي مشغول ساختن مي‌شويد و گاهي دست برمي‌داريد؟ فرشتگان گفتند: وقتي كه نفقة ما برسد ما مي‌سازيم و وقتي‌كه نفقه‌اي نمي‌رسد دست بر مي‌داريم و صبر مي‌كنيم تا آن‌كه نفقه برسد. رسول‌خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به آن فرشتگان گفتند: نفقة شما چيست‌؟گفتند: نفقة ما گفتار مؤمن‌است‌ در دنيا، كه‌ بگويد: «سُبْحَانَ اللَهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لاَ إلَهَ إلاَّ اللَهُ وَ اللَهُ أَكْبَرُ.»

2- جهانی که در آن حاضریم به کدام سو گشوده شده تا مانند جهان حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و شهدا باشیم و در نتیجه حضور در آن جهان، غزه را درست بفهمیم وخود را در غزه بیابیم؟

3- پیشاپیش حضوری که ابدی است برای ما رخ می‌دهد، امری فوقِ آگاهی‌های معمولی. به همین جهت در آیه 22 سوره «ق» داریم: «لَقَدْ كُنْتَ في‏ غَفْلَةٍ مِنْ هذا فَكَشَفْنا عَنْكَ غِطاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَديدٌ»، بدین معنا که در مقابل حیرت اهل قیامت جواب داده می‌شود حقیقت آن است که شما در دنیا نسبت به این جهان و این حضور، در غفلت بودید و ما از مقابل دیدگان شما پرده‌ای که خودتان در مقابل خود ایجاد کرده بودید را کنار زدیم و در نتیجه چشمان‌تان این‌چنین بینا و دقیق شد.

4- غرق در بهشت در عین حضور در دنیا، همان سخن امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» که فرمودند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری‏‎ ‎‏امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران‏‎ ‎‏مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم.» مقابل روح صهیونیستی که باطن غرب است و مردم غرب نیز از آن روح متنفرند.

5- امکان حضور در ابدیت با تذکری است که سوره «زلزال» مقابل ما می‌گشاید.

6- در زلزله ساعت، موجی به سوی انسان می‌آید و انسان در معرض آن موجی به حضوری دیگر نایل می‌شود، در حالی جدید و میقاتی که وقت حضوری است گشوده، شور و شوقی از جنس خوشبختی برای اهل ایمان، به معنای: «خَيْرًا يَرَهُ»(زلزال/7)

7- به نگاه جناب مولوی را در غزل شماره 771 دیوان شمس تبریزی، به مرگ بنگرید به همان معنایی که چگونه انسان می‌تواند ماورای جسم و حتی نفسِ نباتی، مرگ را در همین دنیا تجربه کند.

هله عاشقان بکوشيد که چو جسم و جان نماند دلتان به چرخ پَرَد چو بدن گران نماند

دل و جان به آب حکمت ز غبارها بشوييد هله تا دو چشم حسرت سوي خاکدان نماند

نه که هرچه در جهانست، نه که عشق جان آنست؟ جز عشق هر چه بيني همه جاودان نماند

عدم تو همچو مشرق اجل تو همچو مغرب سوي آسمان ديگر که به آسمان نماند

ره آسمان درونست، پر عشق را بجنبان پر عشق چون قوي شد غم نردبان نماند

تو مبين جهان زبيرون که جهان درون ديده‌ست چو دو ديده را ببستي ز جهان جهان نماند

دل تو مثال بامست و حواس ناودان‌ها تو ز بام آب مي خور که چو ناودان نماند

تو ز لوح دل فروخوان به تمامي اين غزل را منگر تو در زبانم که لب و زبان نماند

تن آدمي کمان و نَفَس و سخن چو تيرش چو برفت تير و ترکش عمل کمان نماند